

جستاری در شناخت نوع ادبی دستورنامه و آثار آن*

سید امیر جهادی**

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

چکیده

در خصوص بزرگان تاریخ نظیر شاهان، وزرا، رجال سیاسی، ادبا، فقها، علما و... از دیرباز تا کنون آثار مستقلی تدوین و تصنیف شده و بعضاً نیز در مطایر آثار تاریخی و کتابشناسی بدانها پرداخته شده است. از زمره این قبیل آثار باید از کتبی نام برد که به طبقه دستوران (صدوران یا وزراء) پرداخته‌اند و می‌توان آنها را در یکی از اقسام نثر فارسی مسمی به دستورنامه‌ها طبقه‌بندی کرد. مقصود از این نوع خاص، آثاری‌اند که یا به‌مثابه کتب تاریخ عمومی از پیش از اسلام تا عصر مولف را از منظر شناخت وزرا بررسی‌ده و یا اینکه اختصاصاً یکی از ادوار تاریخی را مطرح نظر قرار داده‌اند. پیشینه این گونه آثار به پس از اسلام برمی‌گردد. در ادبیات عرب کتبی نظیر *الوزراء* و *الکتاب الجیشیاری* و *تاریخ فخری* ابن الطقطقی داعیه‌دار این قسم ادبی به شمار می‌روند. در ادبیات فارسی نیز نگارش دستورنامه‌ها از قرن ششم متداول شده و تا سده‌های اخیر ادامه یافته است. برخی از این قبیل آثار عبارت‌اند از: *تاریخ الوزراء* نجم‌الدین قمی، *نسائم لاسحار ناصرالدین منشی کرمانی*، *آثار الوزراء* عقیلی و... دستورنامه‌ها از جهات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و ادبی از اهمیت بسزایی برخوردارند. تعدادی از آثار این نوع ادبی تصحیح و طبع شده و برخی هنوز در کسوت نسخ خطی و چاپ سنگی باقی مانده‌اند. نگارنده در این نوشتار کوشیده ضمن احصاء دستورنامه‌های فارسی به بررسی و بیان خصایص این دسته آثار از منظر ساختاری، محتوایی بپردازد.

واژگان کلیدی: دستورنامه، وزیر، آثارالوزراء، نثر فارسی، انواع ادبی.

۱-مقدمه

جوامع متمدن به رجال و خردمندانشان با دیده سپاس و تعظیم نگریسته، از آنان در شمار افتخارات میهنی یاد می‌کنند. از راه‌های حفظ و ماندگار ساختن نام و یاد این بزرگان از گذشته تا کنون، تصنیف و تألیف آثاری است که جمع کثیری از رجال یک علم، صنف و یا منصب ویژه را با توجه به نظم تاریخی از متقدم تا متأخر شناسانده‌اند. این قبیل متون را باید یک قسم از انواع خاص نثر فارسی نامید. آثاری که به ملوک و سلاطین، وزراء، علمای دینی و غیر دینی، شعرا و... پرداخته‌اند. این آثار هم از بابت بیان الگوهای موفق و هم از جهت تاریخی، سیاسی، اجتماعی و ادبی اهمیت شایانی دارند. کتب رجال در متون نثر فارسی در این طبقه‌بندی می‌گنجند: ۱-داستان پیامبران. ۲-احوال بزرگان عرفان و تصوف. ۳-بیان احوال عالمان و حکما. ۴-ذکر احوال رجال مذهبی. ۵-احوال و تاریخ وزراء. ۶-تذکره احوال شاعران.

در تمدن اسلامی از دیرباز ارجمندی و خطیر بودن وزارت پیش نظر نویسندگان کتب رجال، دستورنامه‌ها، سیرالملوک‌ها و نصیحه‌الملوک‌ها قرار داشته است. «در میان مورخان اسلامی همواره نوشتن کتاب‌هایی که منحصرأ در احوال وزیران باشد از آغاز تمدن اسلام معمول بوده است و پاره‌ای از آن‌ها اینک در میان است و معروف است از آن جمله است کتاب *الوزرا* و *الکتاب ابو عبدالله محمد بن عبدوس جهشیاری* و کتاب *تحفه الامرا فی تاریخ الوزرا*... صابی کاتب و کتاب *منیه الفضلا*... معروف به *الفخری* تألیف ابن الطقطقی» (خواند میر، ۱۳۵۶: ح) در ادب فارسی نیز از ادوار متقدم آثاری چون قابوسنامه و سیر الملوک به این مقوله گران توجه داشته‌اند.

وزیر در لغت از ریشه «وی چیر» اوستایی است و به معنی «دستور» و «دانشمند» آمده و معرب شده آن کلمه «وزیر» است. (نقل به مضمون، هرن و هایرنیش، ۱۳۹۴: ۴۲۳) در عصر هخامنشیان رئیس تشکیلات مرکزی، وزیر بزرگ بود، که در آغاز هزاربذ لقب داشت. در عهد هخامنشیان هزارپتی (Hazarapati) به مقام نخستین شخص کشور رسید و پادشاه به دست او امور مملکت را تمشیت می‌داد. این نام در زمان سلطنت اشکانیان باقی ماند و به عهد ساسانیان رسید. (کریستین سن، ۱۳۶۸: ۱۷۰) در برخی از آثار اسلامی نظیر *تاریخ فخری*، واژه وزیر از ریشه «وَزَر یعنی: ملجأ و پناهگاه، و وزیر یعنی بار سنگین» (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۲۰۶) است و معنی آن متناسب با این دو ریشه به ترتیب برابر است با پناهگاه و بردارنده بار سنگین. ابن خلدون ریشه

این کلمه را از «موازرت» به معنی معاونت دانسته است. (ابن خلدون، ۱۳۸۲: ۴۵۲/۱) در عصر اسلامی «وزیر یکی از ویژگی‌های جا افتاده حکومت... محسوب می‌شد... و محور دستگاه حکومتی به شمار می‌رفت و به عنوان نایب سلطان عهده‌دار تمام جنبه‌های تشکیلات کشوری بود که تحت نظارت حکومت مرکزی قرار داشت...» (کلوزنر، ۱۳۶۳: ۵۲)

در برخی از دستورنامه‌ها نظیر *دستورالوزاره* و *دستورالوزراء* منسوب به نظام‌الملک در خصوص مشخصه‌های وزیران سخن رفته است. اهم وظایف وزیران به این موارد مختص می‌شده است: «وظایف مالی، وظایف نظامی، وظایف قضایی و مذهبی، تصدی تشریفات و حمایت» (کلوزنر، ۱۳۶۳: ۵۳-۶۵)

۱-۱- بیان مسئله

یک قسم از کتب رجال، کتاب‌هایی هستند که یادکرد احوال وزراء را با توجه به طبقه‌بندی تاریخی و گاه موضوعی مطمح نظر داشته‌اند. در تاریخ ادبیات فارسی و آثار پرشمار تألیف شده این دانش ادبی، تعدادی از این آثار آن هم هنگام بحث از سایر متون در ادوار تاریخی ادبی احصاء شده‌اند. لازم به ذکر است که برخی از آثار مربوط هنوز به صورت نسخه خطی و چاپ سنگی اند و از آن‌ها سخنی به میان نیامده است. مسئله محوری پژوهش حاضر اولاً حتی‌الامکان برشمردن تعداد دقیق دستورنامه‌های پارسی است و ددیگر بیان ویژگی‌های ساختاری و محتوایی این گونه خاص نثر فارسی از بُعد انواع ادبی است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

درباره جایگاه وزیران در تمدن باستانی ایران و نیز عصر اسلامی کتب و مقالات بسیاری نوشته شده است؛ اما در خصوص موضوع مورد بحث این نوشتار تا کنون کتاب یا مقاله‌ای که متضمن احصاء، بررسی و تحلیل آثار این نوع ادبی نثر فارسی باشد، نوشته نشده است. مرحوم دانش پژوه در مقدمه *تاریخ‌الوزراء* (نجم‌الدین قمی، ۱۳۶۳: مقدمه / ۲۹-۲۴) صرفاً به ذکر فهرست‌واره‌ای از دستورنامه‌های عربی، فارسی و ترکی بسنده کرده است. در فهرست مذکور به از ۲۱ اثر نام برده شده است. علاوه بر این دکتر رستگارفسائی در *انواع نثر فارسی* ۹ کتاب را در زمره آثارالوزراء فارسی بر شمرده است. (رستگارفسائی، ۱۳۹۲: ۳۷۱-۳۷۰)

۲-بحث

۲-۱- فهرست دستورنامه‌های پارسی

فهرست دستورنامه‌های پارسی اختصاراً به قرار ذیل است:

- ۱- نفثه‌المصدر فی فتور زمان‌الصدر و صدور زمان‌الفتور نوشته سدیدالحضرة ابونصر شرف‌الدین انوشیروان بن خالد فینی کاشانی. ۲- تاریخ‌الوزراء نوشته نجم‌الدین ابوالرجاء قمی.
- ۳- دستورالوزاره فی قوانین‌الوزاره از شیخ سعدالدین ابو حامد محمود بن محمد بن الحسین ادیب صالحانی اصفهانی. ۴- جامع‌الحکایات^۱ (ترجمه فرج بعد از شدت) نوشته قاضی تنوخی به زبان عربی و ترجمه‌شده توسط حسین بن سعد بن الحسین الدهستانی المویدی. ۵- تجارب‌السلف از هندوشاه نخجوانی. ۶- نسائم‌الاسحار من لطائف‌الاجبار از ناصرالدین منشی کرمانی. ۷- دستورالوزاره منسوب به خواجه نظام‌الملک طوسی. ۸- تحفه‌السلطین^۲ از علاء‌الدین علی مصنفک شاهرودی بسطامی. ۹- آثارالوزراء از سیف‌الدین حاجی عقیلی هروی. ۱۰- دستورالوزراء از خواندمیر. ۱۱- دستورالوزراء از اختیار حسینی که همان اخلاق‌هما یونی اوست نگارش ۹۳۷. ۱۲- ذخیره^۳‌الخوانین از فرید پسر شیخ معروف بخارایی. ۱۳- دستورالوزراء^۴ از شیخ عالم. ۱۴- مآثر رحیمی از عبدالباقی نهاوندی. ۱۵- بحیره فرونی استرآبادی. ۱۶- دستورالوزراء^۵ از سلطان حسین واعظ. ۱۷- انیس‌الوزراء^۶ تألیف صدرالدین محمدزبردست خان. ۱۸- ارشادالوزراء^۷. ۱۹- تاریخ وزراءالاسلام^۸ از سید فرج‌الله کاشانی. ۲۰- مآثر‌الأمرء^۹.

۲-۲- نوع ادبی دستورنامه نگاری و ویژگی‌های آن

۲-۲-۱- سابقه دستورنامه نگاری

این نوع ادبی در ادبیات عربی مورد توجه نویسندگان قرار داشته است. در ایران، مورخان، منشیان درباری و ایضاً برخی وزرا هم از یک سو با توجه به آشنایی با ادب عرب و ملاحظه آثار مربوط به وزرا و از سوی دیگر اهمیت شایان منصب صدارت، به تدوین آثاری ویژه در باب معرفی وزرا و بیان ویژگی‌های وزیر همت گماشتند. سابقه نگارش این نوع ادبی در زبان فارسی به قرن ششم قمری باز می‌گردد. کهن‌ترین دستورنامه باقی‌مانده، نفثه‌المصدر فی فتور زمان‌الصدر و صدور زمان‌الفتور نوشته سدیدالحضرة ابونصر شرف‌الدین انوشیروان بن خالد فینی کاشانی است که شوربختانه به روزگار معاصر نرسیده است. در تاریخ‌الوزراء مطالبی در باب صاحب آن آمده و نجم‌الدین قمی از انوشیروان بن خالد با لقب «استاد» (تاریخ‌الوزراء: ۴۸) یاد کرده است.

نفته‌المصدور را باید الگوی آثارالوزراء فارسی به حساب آورد که از نجم‌الدین قمی تا دیگران آن را پیش نظر داشته و از ساختار و محتوای آن بهره برده‌اند. پس از کتاب حاضر دومین اثر مستقل و البته محفوظ در باب احوال وزرا، *تاریخ‌الوزراء* نوشته نجم‌الدین ابو‌الرجاء قمی است. باید خاطر نشان شد که دو اثر مذکور الگوی نویسندگان اعصار بعد در نگارش شرح احوال وزرا قرار گرفتند. *نفته‌المصدور* و *تاریخ‌الوزراء* هم از بُعد ساختاری و هم از منظر محتوایی تأثیرات فراوانی بر آثار تألیف‌شده بعدی گذاردند. ترتیب زمانی تدوین سایر آثار پیشتر و در ضمن فهرست آثار بیان گردید.

۲-۲-۲- حوزه تاریخی آثار

دستورنامه‌های پارسی مانند کتب تاریخی به لحاظ شمول زمانی، در سه گونه ذیل می‌گنجند:

۱- تاریخی عمومی: مقصود از این نوع، آثاری هستند که بحث درباره‌ی دستوران را

از قدیم‌ترین روزگاران تاریخی آغاز کرده‌اند. هدف نویسندگان هم از این امر در درجه‌ی اول تبیین اهمیت و پیشینه‌ی تاریخی شغل وزارت است و در مرتبه‌ی ثانی، معرفی وزیران هر دوره و بیان ویژگی‌های خاص منصب مذکور است که نشان‌دهنده‌ی مشی متفاوت حکومت‌ها در این باره است. ساختار بیانی بحث ذکر نام وزیران از قدیم تا پایان در هر دوره حکومتی است. لازم به ذکر است که ادوار بررسی شده معمولاً بر سبیل ایجاز و اختصار است و نویسنده در مورد وزرای عهد خویش طریق اطناب و تفصیل را برگزیده است. گاه پیش از شروع بحث تاریخی وزرا، برخی نویسندگان مانند خواندمیر از دستوران آرمانی مانند آصف بن برخیا یاد کرده‌اند. در میان دستورنامه‌های عمومی پارسی باید از کتب ذیل نام برد:

۱- نسائم‌الاسحار که شروع تاریخی بحث آن از صدر اسلام تا زمان مولف است. ۲-

تجارب‌السلف که در این کتاب تقسیم‌بندی بر مبنای تاریخ اسلام و خلافت‌های اسلامی استوار شده است و تا روزگار مولف ادامه یافته است. ۳- *آثارالوزراء* که ساختار اثر مبتنی بر ذکر طبقات وزرا از متقدم تا متأخر است. ۴- *دستورالوزراء* از خواندمیر، ساختار کتاب مبتنی بر بیان طبقات تاریخی وزرا از صدر اسلام تا عهد مولف است. ۵- *بحیره فزونی* استرآبادی که از وزیران پیش از اسلام تا زمان مولف را محور قرار داده است. ۶- *ارشادالوزراء* که مشتمل بر احوال وزرا و سلاطین قدیم از بنی امیه تا وزرای صاحب‌قران امیر تیمور و سلاطین گورگانی درهند است. ۷- *تاریخ وزراءالاسلام*.

۲- تاریخی دوره‌ای: نویسندگان در این قسم آثار کوشیده‌اند که صرفاً به احوال وزرای یک عصر تاریخی که دربرگیرنده عهد خودشان است بپردازند. این قبیل متون از بابت تاریخی، حائز ارزش و اهمیت بسیاری در شناخت وزیران و سایر اعلام تاریخی عصر هستند و به اطناب بسیار نوشته شده‌اند. این قسم از متون یا یک دوره تاریخی خاص را مد نظر داشته‌اند و یا به شرح احوال تعدادی از وزیران و بدون ترتیب زمانی خاصی اکتفا کرده‌اند. آثار این حیطه عبارت‌اند از: ۱- *نفته‌المصدر*. ۲- *تاریخ‌الوزراء قمی*. ۳- *مآثر رحیمی*. ۴- *جامع‌الحکایات*. ۵- *ذخیره‌الخواین*. ۶- *دستورالوزراء از سلطان حسین واعظ*. ۷- *مآثر الامراء*.

۳- فاقد حیطه تاریخی مشخص (متون نظری): برخی از آثار هم به هیچ عهد تاریخی نپرداخته‌اند. مصنفان این آثار همت خویش را مصروف و متوجه منصب خطیر وزارت ساخته‌اند و تلاش کرده‌اند که در ساختاری دقیق و علمی به بیان جایگاه ارزشمند، شرایط و ضوابط این شغل و ویژگی‌های متصدیان آن بپردازند. می‌توان این آثار را متون نظری و آموزشی در باب وزارت به حساب آورد که ارزش این منصب را به سلاطین و سایر طبقات جامعه می‌نمایاند. در میان دستورنامه‌های پارسی که از خصیصه فوق برخوردارند باید از این آثار یاد کرد: ۱- *دستورالوزراء اصفهانی*. ۲- *دستورالوزراء خواجه نظام‌الملک طوسی*. ۳- *تحفه‌السلطین*. ۴- *دستورالوزراء از شیخ عالم*. ۵- *انیس‌الوزراء*.

۲-۲-۳- ساختار بیانی متون

در بیان شرح احوال وزیران در دستورنامه‌ها، ساختار بیانی ویژه‌ای مشهود و معمول است که تقریباً با تفاوت‌هایی اندک در اهم آثار نمود یافته است. مهم‌ترین ویژگی احوال وزیر، جنبه روایی و داستان مانند آن است که سبب گیرایی و جذابیت نوشته شده، مخاطبان را به همراه خود می‌کشد. سرآغاز متون مذکور معمولاً بیان اهمیت منصب خطیر صدارت و یادکرد برخی از دستوران آرمانی کهن است و پس از این مقوله است که شرح احوال وزرا با اشاره به نام، لقب و سوابق نیکوی وزیر و خاندان او شروع می‌شود و اینکه به سبب دارا بودن چه ویژگی‌هایی ردای صدارت بر تن کرده است. برخی از آثار هم مانند *دستورالوزراء خواندمیر*، ابتدائاً توضیح مختصری درباره حکومت‌های هر عصر ضمیمه کرده‌اند و پس از آن احوال را بیان داشته‌اند. در ضمن بحث، تاریخ منصوب شدن وزیر، امتیازات علمی و محامد و فضایل اخلاقی وزیران نیز دستمایه مصنف قرار گرفته است. خدمات و مآثر نیک وزرا و وقایع تاریخی عصر وزیر نیز در شمار عناصر

ساختاری متن است. اختتام احوال، به سرانجام نیک و یا فرجام تلخ وزیر اختصاص دارد. در بسیاری از شرح احوال‌ها، علل مغضوب گشتن وزرا، معمولاً سعایت نامان و بدخواهان است. برخی نویسندگان هم فارغ از هر گونه جانبداری حتی به ذمائم اخلاقی فرد پرداخته‌اند. البته روش مولفان در ایجاز و بسط سخن اندکی متفاوت است، مثلاً منشی کرمانی در *نسائم/الاسحار* فقط به ذکر خطوط اصلی حیات فرد و وقایع اثرگذار مقید بوده است. ساختار فوق الذکر مربوط به متون تاریخی وزارت‌نامه‌هاست. در متونی که فاقد بررسی تاریخی‌اند، نویسندگان در چارچوبی نظری بیشتر به ویژگی‌های منصب، وزیر و شرایط آن پرداخته‌اند مانند *دستورالوزاره* و فصل دوم *دستورالوزرای خواجه نظام‌الملک طوسی* که در ضمن بررسی متون بدان‌ها اشاره خواهد شد.

۲-۲-۴- ارزش‌های تاریخی آثار

اولین فایده تاریخی دستورنامه‌ها، استفاده از منابع متقن تاریخی در بیان احوال وزیران است که در این میان راوی به مثابه مورّخی امین بدانچه نقل می‌نماید، امانتدار مانده است. در مواضعی هم که نویسنده از وزرای عصر خویش سخن می‌آغازد، اطلاعات ارائه شده‌اش از ارزش و اهمیت بسیاری در بررسی‌های تاریخی برخوردار است. مأخذ تعدادی از آثار، منابع کهن و گاه مفقودی-اند که در دستورنامه‌ها مورد رجوع مصنفان قرار گرفته‌اند. برای نمونه *نفثه‌المصدور* انوشروان بن خالد که در دسترس نیست، مورد استفاده صاحبان *تاریخ‌الوزرا* و *تجارب‌السلف* بوده است. افزون بر این باید از *نسائم/الاسحار* نیز نام برد که مأخذ بسیاری از مباحث خواندمیر و عقیلی است. نکته دیگری که بر صحت و اتقان تاریخی آثار صحه می‌گذارد، مورّخ بودن نویسندگانی مانند منشی کرمانی و خواندمیر است. *تجارب‌السلف* هم که تاریخ گونه‌ای است در تاریخ خلفا و هر یک از شاهان، در حکم ترجمه آزادی است از کتاب *الفخری ابن الطقطقی*. «منابع هندوشاه در *تجارب‌السلف* عبارت‌اند از: ترجمه *تاریخ طبری*، *کامل ابن‌الاثیر*، شرح *نهج‌البلاغه* ابن ابی‌الحدید، *کامل میرد*، *کتاب‌المعارف ابن‌قتیبه*، *ابومسلم‌نامه طرسوسی*، *سیرالملوک* خواجه نظام‌الملک طوسی، *اخلاق‌العمیدین* و *مثالب‌الوزیرین ابوحنان توحیدی*، *نفثه‌المصدور* انوشروان بن خالد، *جوامع‌الحکایات عوفی*، *تاریخ تاج‌الدین بغدادی* (ابن‌ساعی) و *معجم اهل ادب ابن‌الفوطی*». (هندوشاه، ۱۳۵۷: مقدمه/ یا) در *آثارالوزرا* هم «مؤلف کتاب زحمت بسیاری را در تألیف این کتاب متحمل شده و در جمع و تلفیق و نظم و ترتیب مطالب آن رنج بسیاری برده است و مطالب بسیار بسیار مفید... از موارد مختلفه گرد آورده... به طوری که برخی از مأخذ وی

فعالاً در دسترس نیست...» (عقیلی، ۱۳۳۷: مقدمه/د) منابع آثار الوزرا مجموعه‌ای از کتب گران‌سنگ گویندگان متقدم از جمله تاریخ طبری، شاهنامه فردوسی، جامع‌الحکایات، فرج بعدالشد، جامع‌التواریخ، ترجمه تاریخ یمنی، مقامات ابونصر مشکان، مصنفات بیهقی، تاریخ سلجوق، تاریخ جهانگشای جوینی، نسائم‌الاسحار و... است. شایان ذکر آنکه برخی از آثار مذکور شوربختانه به دوره معاصر نرسیده‌اند و بدین روی حداقل با نمونه‌هایی از آنان در آثار الوزراء روبرو می‌شویم. خواندمیر نیز در تألیف دستورالوزراء «به کتاب‌های چند مانند تاریخ فخر بناکتی، تاریخ گزیده، تاریخ و صاف، جامع‌التواریخ، جامع‌التاریخ، جامع‌التواریخ جلالی و رشیدی، جامع‌الحکایات، روضه‌الصفاء، فرج بعدالشد، ملک‌نامه، و وصایای نظام‌الملک رجوع کرده است.» (خواندمیر، ۱۳۵۶: مقدمه/ح-خ) باقی نهایندی هم در مآثر‌الأمرا «از تواریخ معتبری که پیش از وی تألیف شده بوده مانند تاریخ فیروزشاهی و تاریخ معصومی و طبقات اکبری و اکبرنامه استفاده کرده و خاتمه آن که تذکره فضلا و شعرا و شامل دو مجلد بزرگ در ۱۶۹۹ صفحه است اعتبار و اصالت تمام دارد.» (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۷۴۷/۲).

فایده دوم ارائه اطلاعات فراوان و ذی‌قیمت درباره شرایط و اوضاع تاریخی، اجتماعی و سیاسی است؛ بویژه ارزش اطلاعات مذکور زمانی بیشتر است که دستورنامه به دوره تاریخی عصر مصنف پرداخته است. برای نمونه در باب ارزش تاریخی تاریخ الوزرا باید خاطر نشان کرد که «در این دفتر جای جای از وزارت و امارت و نیابت و دیوان‌های: طغراء، انشاء، تویع، استیفاء، اشراف... یاد می‌گردد... و نمایاننده تاریخ بوروکراسی و دستگاه دفتری و روش نگارش دولتی ایرانی است» (نجم‌الدین قمی، ۱۳۶۳: مقدمه/نه) افزون بر این، دستورنامه‌ها گنجینه گرانبهایی از اصطلاحات دیوانی به شمار می‌آید. سزاوار بیان آنکه، این خصیصه در تمامی آثار دیده می‌شود.

۲-۲-۵- ارزش‌های اخلاقی و تعلیمی متون

جنبه‌های اخلاقی و تعلیمی در این قسم متون از دو نظر قابل بررسی و تحلیل است: نخست آنکه در این کتب شرایط و ویژگی‌های التزام صدارت به دقت و با جزئیات فراوان احصا و توصیه‌های اخلاقی بسیاری مستقیم و یا غیر مستقیم شده است که موجب گشته دستورنامه یک اندرنامه سیاسی محسوب گردد. افزون بر این، محامد و فضایل اخلاقی دستوران نیکنام نیز در متن آثار (تاریخ الوزرا، نسائم‌الاسحار و...) به شکلی برجسته بیان شده است. ناگفته نماند که ذمائم و رذایل اخلاقی وزرا نیز از نگاه دقیق مصنفان به دور نمانده است. برای نمونه هندوشاه در تجارب‌السلف،

از ذکر سجایا و گاه ذمایم اخلاقی صدوران غفلت نورزیده است. این خصیصه در آثار الوزرای عقیلی، دستور الوزرای خواندمیر و دستور الوزرای خواجه نظام الملک نیز ملحوظ است.

ویژگی دوم تعلیمی در این آثار هم در شرح احوال وزیر و حکایات و قصص مطروح نهفته است که از درونمایه های اخلاقی بسیار برخوردارند. افزون بر موارد یادشده، فرجام تلخ و شیرین دستوران نیز در حکم آینه ای عبرتناک است که تجارب گرانبهایی را در اختیار خوانندگان قرار می دهد. این شیوه، گونه ای بیان غیرمستقیم اندرزهای اخلاقی است که از بسامد بالاتری هم نسبت به نوع مستقیم برخوردار است. برای نمونه باید از تاریخ الوزرا یاد کرد که نکات اخلاقی و اندرزهای فراوانی در آن چاشنی مطالب گشته است. مصنفان خردمند و مورخان آگاه، در ضمن متن، نوشتارشان «آن ها را غالباً با حکایات اخلاقی و اندرزی و معمولاً مربوط به زندگانی امرا، خلفا، وزیران و دستیاران مملکتی می آراستند تا از حکایات خوش فرجام، به نیکی تحریض شوند و از قصص بد سرانجام عبرت گیرند و تنبّه پذیرند.» (اصفهانی، ۱۳۶۴: ۱۲ مقدمه) «دستور الوزاره مانند بسیاری از نمونه ها و نظایر خود، عمدتاً جنبه اخلاقی و تهذیبی دارد و چنانکه گفته شد برای تلطیف خلق و خوی امیر و وزیر و درباریان به ذکر احوال پیامبر اسلام و اصحاب و یاران و حسنین (ع) پرداخته و از نوادر حکایات خلفا استشهد می کند و از این جهت کتاب بیش از آنچه به نسخ کتاب های تاریخی نزدیک شود به طراز کتب اخلاقی و پندنامه ها مطرّز می گردد.» (همان: ۱۵ مقدمه) در بین دستورنامه های پارسی این اثر پیش از آنکه طبقات وزرا باشد، نوعی اندرزنامه موضوعی و اخلاقی است که سعی دارد خصایل و محامد وزرا را پیش نظر آرد و در صدد ترسیم الگویی برای مخاطبان است. گاه نیز توصیه های اخلاقی مورد نظر به گونه ای مستقیم و صریح عرضه شده است، مانند فصل نخست دستور الوزرا نظام الملک که در نکوهش وزارت و تحذیر فرزند از قبول این مسئولیت است. خواجه در این فصل دلسوزانه و پدرانانه حقایقی را که پس از یک عمر و تجربه گران صدارت بر وی مکشوف شده برای فخرالملک می نگارد.

۲-۲-۶- استشهد به حکایت و قصه در دستورنامه ها

قصه پردازی و نقل حکایات و اشعار مرتبط فارسی و عربی، نقش مکمل را برای افاده معنی به عهده گرفته و از طرفی سبب تقریب به ذهن شدن موضوعات برای مخاطبان می گردد. همانطور که پیشتر اشاره شد، شرح احوال دستوران نیز اغلب به گونه روایی و داستان وار است. افزون بر روایت قصه مانند احوال وزرا، در این دسته متون حکایات کوتاه و بلند بسیاری در خلال مطالب

مشهود است. شایان ذکر آنکه بسیاری از روایات کوتاه و تاریخی‌اند. خصیصه حاضر در تاریخ‌الوزراء، آثارالوزراء، تجارب‌السلف و اثر خواندمیر به نسبت سایر آثار پرننگتر است.

۲-۲-۷- مؤلفان آثار

۱- **وزرا:** برخی از دستورنامه‌ها، حاصل طبع و اثر خامه دستوران کهن است که نظر به تجربه عینی و عملی فرد موصوف، از اهمیت و اعتبار زیادی برخوردارند. از میان آثار احصاشده، *نفثه‌المصدر* انوشروان بن خالد و دستورنامه منتسب به خواجه نظام‌الملک طوسی در این قسم می‌گنجند.

۲- **مورخان و ادبا:** به جز دو اثر فوق‌الذکر، باقی متون تألیف و تصنیف مورخان و ادبای برجسته هر عصر است که با عنایت به اهمیت موضوع و بیان احوال وزرا نگاشته و معمولاً به وزیران هم تقدیم شده‌اند.

۲-۲-۸- استقلال آثار

۱- **دستورنامه‌های مستقل:** این قسم متون، آثاری هستند که به صورت کامل به موضوع صدارت، ویژگی‌های آن و بیان احوال وزرا پرداخته‌اند و باید آن‌ها را به لحاظ موضوعی یک نوع ادبی خاص محسوب کرد. این آثار عبارت‌اند از: *نفثه‌المصدر*، *تاریخ‌الوزراء*، *دستورالوزراء*، *نسائم‌الاسحار*، *دستورالوزراء* خواجه نظام‌الملک، *آثارالوزراء*، *دستورالوزراء* خواندمیر، *دستورالوزراء* از اختیار حسینی، *دستورالوزراء* از سلطان حسین واعظ، *دستورالوزراء* از شیخ عالم، انیس‌الوزراء، *ارشادالوزراء*، *تحفة‌السلطین (تحفة‌الوزراء)*، *تاریخ وزراء الاسلام*.

۲- **دستورنامه‌های فرعی در بطن آثار تاریخی:** مقصود از این نوع، متونی هستند که در ضمن یک اثر تاریخی و رجالی در قالب بخشی مشخص عرضه و ارائه شده‌اند. در میان آثار برشمرده شده، متون ذیل در این حیطه قرار می‌گیرند: *جامع‌الحکایات*، *تجارب‌السلف*، *ذخیره‌الخواین*، *مآثر رحیمی*، *بحیره فرونی* استرآبادی، *مآثر‌الأمراء*.

۲-۲-۹- تطوّر و تحوّل دستورنامه‌نویسی

در تحوّل و سیر تطوّر دستورنامه‌نویسی می‌توان خط سیر مشخص و واضحی را دنبال کرد. به اختصار برخی مختصه‌های تطوّر متون اشاره می‌شود: ۱- این نوع ادبی در ادب فارسی از قرن ششم و با اثر انوشروان بن خالد آغاز می‌شود. ۲- برخی از آثار رجالی عربی نیز در تکوین این

نوع ادبی و بر آثاری چون *تجارب السلف* اثر داشته‌اند. ۳- در متون آغازین معمولاً نگارش دستورنامه‌های مستقل مدّ نظر قرار دارد و بیشتر تکیه مصنف بیان احوال و زرای عهد و روزگار خودشان است در حالی که در متون جدیدتر در آثار عام تاریخی، فصولی به نگارش دستورنامه اختصاص یافته است البته در میان متون متأخر تعدادی اثر مستقل هم وجود دارد. ۴- در آثار بالنسبه متأخرتر، دستورنامه‌ها، حیطه تاریخی عمومی می‌یابند. ۵- در تعداد معدودی از دستورنامه‌ها، بیان شرایط و ضوابط وزیری و صدارت، محور متون قرار گرفته، که البته فراگیر نیست. ۶- به لحاظ حجمی متون نخستین نسبتاً موجز و متون جدید از اطناب برخوردارند. ۷- از بابت ساختار بیانی تقریباً عناصر مشابهی در میان متون دیده می‌شود، البته باید خاطر نشان ساخت که این ویژگی در متون جدیدتر به دقت و جزئیات بیشتری مورد عنایت بوده است. ۸- شرح احوال وزیران در بیشتر متون، روایی است و در تعداد محدودی جنبه توصیفی و مختصر دارد. ۹- تقریباً در میان همه متون نقل قصه‌های مرتبط و اندرزهای اخلاقی دیده می‌شود.

۲-۳- بررسی مختصر مهم‌ترین آثار

با توجه به حجم محدود نوشتار و تعداد دستورنامه‌ها، ذیلاً اهم آثار این نوع ادبی نثر فارسی به لحاظ قدمت تاریخی و ارزش ادبی بررسی خواهند شد:

۲-۳-۱- **نقشه‌المصدر:** کهن‌ترین دستورنامه زبان فارسی است. «در میان دستورنامه‌های برشمرده شده به زبان فارسی، گویا قدیم‌ترین اثر کتابی است مسمی به *نقشه‌المصدر فی فتور الزمان‌المصدر* و *صدر زمان‌الفتور* از سدید الحضرة ابونصر شرف‌الدین انوشیروان بن خالد فینی کاشانی در گذشته ۵۳۲ که در دست نیست.» (نجم‌الدین قمی، ۱۳۶۳: مقدمه / بیست و چهار). قمی در مورد نویسنده *نقشه‌المصدر* که از وزراء بوده، چنین نوشته است: «استاد شرف‌الدین انوشیروان بن خالد، رحمه الله به بغداد مقیم بود، مترشح وزارت...» (نجم‌الدین قمی، ۱۳۶۳: ۴۷). در خصوص صاحب *نقشه‌المصدر*، هندوشاه نیز در *تجارب السلف* مطالبی آورده است: «خواجه نوشروان بن خالد اصل او از کاشان و از افاضل و اعیان روزگار بود. وزارت خلافت و سلطنت سلجوقی کرد و ابن اثیر جزری مورخ گفته است: خواجه انوشروان از وزارت استعفا خواست، سلطان آن اجابت رد کرد و باز فرمود که وزیر باشد. انوشیروان به کراهتی تمام به دیوان رفت و باز به وزارت مشغول شد و شیخ ابومحمد قاسم بن علی حریری بصری... کتاب *مقامات* به نام او ساخت...» (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۳۰۱).

۲-۳-۲- تاریخ‌الوزراء نجم‌الدین ابوالرجاء قمی: کهن‌ترین دست‌ورنامۀ

باقی‌مانده به زبان فارسی همین اثر است. به قول مرحوم دانش پژوه «این تاریخ، ریشه تاریخ ناصرالدین منشی کرمانی... و عقیلی در آثارالوزراء و خواندمیر در دستورالوزراء» است. (نجم‌الدین قمی، ۱۳۶۳: مقدمه/هشت) «نجم‌الدین ابوالرجاء (الرضا) قمی تاریخ پنجاه سال وزارت سلجوقی را در آن آورده و در میان رجب و ذی‌الحجه ۵۸۴ به نگارش آن می‌پرداخته...» (همان: هفت و هشت). در باب ارزش تاریخی این اثر باید خاطر نشان کرد که «در این دفتر جای جای از وزارت و امارت و نیابت و دیوان‌های طغراء، انشاء، توقیع، استیفاء، اشراف... یاد می‌گردد...» (همان: نه).

مولف در تنظیم ساختار اثر، طرح خاصی مدنظر نداشته است. طرح این اثر بر اساس نام وزرا پی افکنده شده است. در این اثر از ۱۸ وزیر و احوالشان سخن به میان آمده است. قمی در باب سبب تألیف کتاب خاطر نشان می‌کند که این اثر را به خواهش دوستان و بر طریقه نفثه‌المصدر شرف‌الدین انوشروان بن خالد ساخته و پرداخته است (نجم‌الدین قمی، ۱۳۶۳: ۱). در ابتدای شرح احوال به نام و لقب وزیر اشاره و از سوابق وی یاد شده است. از مختصه‌های معنایی اثر، یادکرد نکات اخلاقی و اندرزهای فراوانی است که در فحوای نثر درج شده است. اشاره به سرانجام وزراء نیز نمایانگر سرنوشت‌های عمدتاً تیره و تار وزارت است که مایه تبّه مخاطبان می‌شود: «شرف‌الدین علی بن رجاء بعد از آنکه وزیر ملک داوود شد، شمشیر عزالدین... خوارزمشاه نگذاشت که او را گفتندی: «مات حنف انفه» سر در کار وزارت کرد...» (همان: ۴۵) نثر تاریخ‌الوزراء، فنی و در برخی مواضع شاعرانه و ادبی است. روش نویسنده اطناب و تفصیل است.

۲-۳-۳- نسائم‌الاسحار من لطائم‌الاجبار: این کتاب نوشته یکی از فضلالی کرمان

به نام ناصرالدین منشی کرمانی است. باید در نظر داشت که صحّت و اتقان تاریخی مطالب نسائم‌الاسحار علاوه بر دقت نظر و امانتداری مولف، ناظر به مورخ بودن وی است. از مراجع مورد استفاده ناصرالدین منشی کرمانی باید از تاریخ یمینی عتبی نام برد. نثر این اثر از نمونه‌های عالی نثر منشیانه و متکلف فارسی است.

مؤلف در ابتدای متن تازگی اثر و موضوع آن را متذکر شده، لزوم تألیف این دسته از آثار را یادآور می‌شود (همان: ۴-۵). محدودۀ تاریخی اثر به گفته مؤلف از «مطلع طلیعه سپاه دولت محمدی...» (همان: ۵) است. مصنف، ایجاز و اطناب شرح احوال وزرا را وابسته به در دسترس بودن اخبار و منابع از آنان دانسته و البته در خصوص وزرای «با تمکین» روش اطناب را برگزیده است (همان: ۵). ساختار اثر مبتنی بر ذکر طبقات وزرا مطابق نظم تاریخی و به ترتیب سلسله‌های سلطنتی است. از بسیاری وزرا فقط به ذکر نامی بسنده شده و تعدادی چون ابومسلم به اطناب محمل بحث واقع شده‌اند. مأخذ برخی از مطالب اثر آن‌گونه که در ضمن متن آمده «تاریخ‌الوزراء ابوالحسین هلال الصابی» است. (همان: ۲۱) ذیل نام هر یک از وزرا، موارد زیر مورد توجه نویسنده قرار داشته است:

۱- اختصار و ایجاز که مبنای بررسی است. ۲- تاریخ تفویض منصب و نام خلیفه و یا سلطان. ۳- ازدواج‌های سیاسی و مناسبتی که اکثراً تضمین‌کننده و تحکیم‌بخش موقعیت دستور است. ۴- اشاره به عزل شدن وزیر. ۵- اشاره به محامد اخلاقی به دور از جانبداری. ۶- ذکر وقایع پایان حیات و وفات وزیر. ۷- بیان فضیلت علمی دستور. ۸- اشاره به سعایت بدخواهان. ۹- یادکرد فرجام بد برخی وزرا. ۱۰- ذکر سلسله نسب و حسب فرد. ۱۱- ذکر وقایع دوران صدارت. ۱۲- وزرایی که تا پایان حیات بر منصب صدارت باقی ماندند. ۱۳- بیان خدمات و مآثر نیک وزیر. ۱۴- بیان ذمایم اخلاقی دستور.

۲-۳-۴- دستورالوزاره: نویسنده اثر، محمود بن محمد بن حسین از مردم اصفهان است. دستورالوزاره در شمار کتاب‌هایی است که «در گذشته مردان دین و ادب، برای وزیران تهیه و تنظیم می‌کرده‌اند تا آن‌ها را در امر وزارت و مملکت داری، چراغ راه باشد...» (اصفهانی، ۱۳۶۴: ۱۲ مقدمه). این اثر یکی از ساختارمندترین دستورنامه‌های پارسی است. مؤلف در ده باب طرح مطالب را پی افکنده است. در باب سوم علاوه بر بیان اهمیت و ضرورت منصب صدارت به بیان خصایص ده گانه برای وزرا با توجه به حکایات و روایات مبادرت می‌کند تا بدین وسیله گرانی بار صدارت و ارجمندی مقام حاملان آن را پیش نظر مخاطبان مجسم نماید (همان: ۳۷-۳۵). در باب چهارم به بیان مآثر و مفاخر وزرای ماضی پرداخته است. در باب پنجم و در عنوان «در فضل خلفا و اقبال ایشان بر اختیار وزرای افاضل و اخبار و اشعارشان» است. باب ششم به «ذکر فضایل ملوک و اخبار و اشعار ایشان» اختصاص یافته است. باب هفتم دستورالوزاره

اختصاصاً به خصایل وزرا پرداخته است. باب هشتم مقوله هدايا و پیشکشی‌های به محضر ملوک را ملاک بحث قرار داده است و باب نهم یکسر به مطالب اخلاقی پرداخته است. در باب دهم به نوعی برخی از آداب رسوم مرتبط با وزارت و برخی دواوین سلطنتی چون دیوان رسالت بیان شده است (همان: ۱۲۴). جنبه اخلاقی و تعلیمی اثر بسیار قوی است و از این روی باید آن را اندرنامه‌ای سیاسی-تعلیمی به حساب آورد. نثر این کتاب فنی و مزین است و نویسنده به حد اعتدال از آرایه‌های ادبی سود جسته است. از جمله ویژگی‌های سبکی این اثر، ذکر حکایات و قصص مرتبط خصوصاً با وزرا و پادشاهان است (همان: ۲۸ و ۳۱).

۲-۳-۵- تجارب السلف: تجارب السلف متنی تاریخی است نوشته هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوانی در قرن هفتم هجری قمری در تاریخ خلفا و هر یک از شاهان. این اثر در حکم ترجمه آزادی است از کتاب الفخری ابن الطقطقی که نام اصلی آن به تصریح هندوشاه «منیه الفضلا فی تواریخ الخلفا و الوزرا» است. در خصوص نثر تجارب السلف باید خاطر نشان ساخت که «هندوشاه مثل هم عصر دیگر خود یعنی... سعدی یکی از بهترین نمونه نثر فصیح... به یادگار گذاشته و به رهنمایی ذوق سلیم در ورطه سخن‌سازی و عبارت‌پردازی نیفتاده است» (هندوشاه، ۱۳۵۷: مقدمه / ط).

ساختار کتاب مبتنی بر مقدمه و ۳ بخش اصلی مسمی به «دولت» است. پس از دیباچه، مقدمه به ذکر احوال نبی مکرم اسلام و... خلفا اختصاص دارد. تقسیم‌بندی ساختاری اثر بر مبنای تاریخ اسلام و خلافت‌های اسلامی استوار شده است. احوال برخی دستوران پارسی نیز نظیر عمیدالملک کندی، خواجه نظام‌الملک، انوشروان بن خالد و... در ضمن اثر درج گشته است. هندوشاه در فحوای اثر از ذکر سجایا و گاه ذمائم اخلاقی صدوران غفلت نورزیده است. همانگونه که پیشتر اشاره شد هندوشاه بسیاری از منابع معتبر تاریخی را که امروزه جز نشانی از آن‌ها باقی نیست پیش نظر داشته است. از جمله *نفته المصدور* انوشروان بن خالد. سداد و امانتداری هندوشاه در نقل از منابع کهن کاملاً هویدا است. هندوشاه فقط به ذکر مهم‌ترین طبقات وزرای دول اهتمام داشته و از بقیه تنها به صرف نامی اکتفا کرده است. (همان: ۲۸۲)

۲-۳-۶- آثار الوزراء، یکی از تراث مهم در باب احوال رجال و یادگاری از قرن نهم قمری است. *آثار الوزراء* تألیف سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی است که آن را به نام قوام‌الدین

نظام‌الملک خوافی وزیر سلطان حسین بایقرا نوشته و تقدیم کرده است. به گفته مصحح این متن «مؤلف آثار الوزراء... مطالب نسائم‌الاسحار را گرفته و... تصرفات بی موردی... به کار برده است.» (عقیلی، ۱۳۳۷: مقدمه / ب)

نثر اثر در دیباچه، مزین و فنی است و در متن صورتی بینابین دارد. عقیلی در دیباچه اثر خاطر نشان می‌شود که در این قسم فضل تقدّم از اوست (همان: ۷). گرچه نویسنده در این نوع برای خویش فضل تقدّمی را بر می‌شمرد، اما شگفت آنکه با جود اینکه عقیلی، نسائم‌الاسحار ناصرالدین منشی کرمانی را در دست داشته و در اغلب مواضع از آن کتاب نقل قول نموده است، خویشتن را سابق بر این امر به شمار آورده است.

ساختار اثر مبتنی بر ذکر طبقات وزرا از متقدّم تا متأخر است. عقیلی ساختار اثر را در دو مقاله کلی پی افکنده است: مقاله اول در دوازده باب و مقاله دوم در چهار باب تنظیم شده است و هر دو کیفیت تاریخی دارند. مقاله اول گونه‌ای تاریخ عمومی وزرا از اعصار کهن تا روزگار تیمور است و قسم دوم اختصاصاً به احوال قوام‌الدین نظام خوافی پرداخته است. در مقاله اول که مسمی به «ذکر وزرای سابق است» از دستورانی چون فیثاغورس، جاماسب، بقراط حکیم، سقراط، افلاطون، ارسطاطالیس، و بوذرجمهر یاد می‌کند. در ضمن احوال وزرا به فضایل و محامد اخلاقی فرد مزبور پرداخته شده است.

۲-۳-۷- دستور الوزراء خواندمیر: غیاث‌الدین خواندمیر از اکابر نویسندگان عصر تیموری و صاحب تألیفات بسیار است. از جمله تألیفات وی که در شمار مفصل‌ترین و کامل‌ترین دستورنامه‌هاست، کتاب *دستور الوزراء* است که خواندمیر «... آن را نخست در سال ۹۰۶ به پایان رسانده و بار دیگر پس از سال ۹۱۴ در آن نظر کرده و مطالب دیگر را که تا آن زمان رخ داده بود بر آن افزوده، نسخه دومی منتشر کرده است.» (خواندمیر، ۱۳۵۶: مقدمه / ث) ساختار کتاب مبتنی بر بیان طبقات تاریخی وزراست. طبقات وزرای پارسی از حکومت سامانیان آغاز می‌شود و تا عصر مولف (تیموریان) ادامه می‌یابد. مهم‌ترین بخش اثر به لحاظ اصالت و ناب بودن مطالب، آخرین بخش اثر «ذکر وزرای پادشاه عالی‌جاه قطب‌الدین امیر تیمور و اولاد نامدار آن خسرو کشور گیر گیتی‌ستان» است؛ چراکه در درجه اول خواندمیر خود از معاصران این دوره است و ددیگر وی در مقام مورّخی دقیق و امین، آثار تاریخی معتبری را تألیف و تصنیف نموده است.

عمده مآخذ خواندمیر، *نسائم الاسحار و آثار الوزراء* و *گهگاه جامع الحکایات* (همان: ۲۸-۲۷) است. مولف در ابتدای هر باب توضیحات مختصری راجع به دوره سلطنت و سلسله حکومتی مربوط نوشته و سپس به احوال وزرا پرداخته است. بخش پایانی اثر، مهم‌ترین و متقن‌ترین ابواب کتاب است؛ از آن روی که حجم وسیعی از مطالب این بخش حاصل مشاهدات و مسموعات بلاواسطه خواندمیر از اعیان و رجال حکومتی است و از ارزش تاریخی بسیاری برخوردار است. خواندمیر معمولاً به ذکر محامد اخلاقی و سجایای وزرا نیز اشاره کرده و حتی گاه ردایب افراد را نیز در ضمن سخن درج نموده است. از خلال مطالب اطلاعات ذی‌قیمت بسیاری در باب اوضاع تاریخی، سیاسی و اجتماعی عصر تیموری مستفاد می‌شود. نثر دستورالوزرا حائز تمامی ویژگی‌های نثر تیموری است. نثر، در متن اصلی بینابین و البته متمایل به ساده است.

۲-۳-۸- دستورالوزراء خواجه نظام‌الملک طوسی: در خصوص مؤلف اصلی متن و اینکه آیا خود خواجه نظام‌الملک نگارنده متن است و یا اینکه شخص دیگری است، بین محققان اتفاق نظر وجود ندارد.^۱ «ظاهراً کسی این وصایا و نصایح را از منابع مختلف گرد آورده یا به عبارت دیگر در کتاب یا کتاب‌های خواننده و به همراه آنچه از دیگران شنیده یکجا جمع آوری کرده و پس از نوشتن دیباچه‌ای... آن را به یکی از نوادگان خواجه به نام امیر فخرالدوله و الدین حسن که به وزارت نیز رسیده بوده، اهدا کرده است» (ملک ثابت، ۱۳۹۲: ۱۰).

متن اثر با براءت استهلالی به موضوع صدارت و نیز نام خواجه نظام‌الملک طوسی آغاز می‌گردد (نسخه خطی دستورالوزراء: ۴۹۹). پس از دیباچه‌نگاری معمول، مقدمه کوتاهی در باب اهمیت و سترگی امر صدارت و ضرورت وجود آن آورده شده که رنگ و بوی فلسفی دارد. در ادامه، ارجمندی مقام صدارت مورد تأکید قرار گرفته است. ساختار اثر مبتنی بر مقدمه «در بیان احوال اجمالاً» (همان: ۵۰۲) و «فصل اول در تحریض فرزند بر ترک وزارت و مخاطرات آن» (همان: ۵۰۳-۵۰۲) ترتیب یافته است. «فصل دوم در آداب و شرایط در وقت اشتغال» به منصب صدارت است. نکته سزاوار ذکر آنکه خواجه نظام‌الملک با وجود تمتع از قدرت و اشتغال حدوداً سی ساله به وزارت؛ چنان این مسند را مُر و مخاطره آمیز دانسته که فرزندش را از برعهده گرفتن این مهم برحذر می‌دارد. از مزایای این کتاب، ذکر حکایات تاریخی عصر خواجه و روزگار سلجوقی است که جنبه داستانی به متن بخشیده است. (همان: ۵۱۱)

فصل دوم این اثر در میان دستورنامه‌های پارسی بی نظیر است چرا که در کمتر اثری از این قبیل به شرایط و لوازم اقدام به این منصب اشاره شده است. در این فصل تجربیات سی ساله خواهی از تقلد صدارت بیان شده تا چراغ راهی برای عهده داران آتی وزارت باشد. از جمله موارد شایان توجه در نثر این کتاب و در فصل دوم جنبه تحذیری و تنبیهی اثر برای مخاطبان و عهده داران صدارت است که آن‌ها را از دشواری‌های وزارت می‌آگاهاند. بی تردید این اثر به لحاظ اشراف بر سیاست و جامعه عصر سلجوقی و نگرش به جهان بینی اسلامی، اهمیت بسزایی دارد.

۲-۳-۹- بحیره: مؤلف اثر محمد هاشم فزونی استر ابادی از مورخان و شاعران عصر شاه عباس اول صفوی است که در شعر به «فزونی» تخلص می‌نموده است. وی در استر آباد متولد شد و مدتی نیز رحل اقامت به هندوستان افکند.

بحیره (تألیف ۱۰۲۱ تا ۱۰۲۶) را باید یک دانشنامه تفصیلی تاریخی-روایی نامید که به لحاظ گستره وسیع موضوعی، کمتر اثری را می‌توان یافت که همتای آن باشد. بحیره در چهل و چهار باب و در موضوعات متنوع پی افکنده شده است. ساختار بحیره یک ساختار نوین و کم سابقه است.

برخی ابواب مختصر و تعدادی که مشتمل بر فصول فرعی اند به تطویل گراییده‌اند. آنچه سبب شده این دانشنامه تاریخی را در شمار دستورنامه‌ها احصا کنیم، باب بیست و ششم این اثر است که در دوازده فصل و یک خاتمه ترتیب یافته و گونه‌ای رساله مختصر در باب وزرا به شمار می‌آید. ساختار این باب بر اساس طبقات وزرا از پیش از اسلام تا عصر تیموری را شامل شده است. در ابتدای باب بیست و ششم به اختصار در مورد اهمیت وزارت سخن رفته است. فزونی در باب بدیع بودن سخن و منابش می‌نویسد: «... و در حالات وزرا، مورخین کار آگاه را تصانیف است، آنچه به نظر این ذره احقر آمد، آثارالوزاره و دستورالوزاره است، این شکسته وادی گمنامی آنچه توانست سوی حالات و اخبار نسختین، داخل این مختصر ساخت...» (فزونی، ۱۳۲۸: ۳۴۷) در فصول آغازین بنای کار بر تلخیص و ایجاز است و غالباً به ذکر نام و نسب، فضایل، و برخی سخنان وزرا مبادرت شده است.

نثر کتاب بینابین و مایل به مرسل است. در ضمن نقل احوال برخی صدوران، متن جنبه‌روایی به خود گرفته است. به علت حجم وسیع و گستره متنوع موضوعی، فزونی از ورود به مباحث حاشیه‌ای که سبب اطناب می‌شود، چشم پوشی کرده است؛ به همین روی کلیت باب بیست و ششم با روئے اختصار نگاشته شده است. با وجود این، احوال و روزگار برخی دستوران چون ابوالعباس اسفراینی، احمد حسن میمندی، و صاحب بن عباد (همان: ۳۷۷-۳۷۰) و خواجه نظام‌الملک (همان: ۳۸۱-۳۷۹) نیز مطنب است. مفصل‌ترین بخش در احوال وزراء سلاجقه است. سزاوار ذکر آنکه فزونی به وزرای معاصر خویش نپرداخته و آخرین فصل از باب بیست و ششم را به وزرای دولت تیموری اختصاص داده است. (همان: ۴۰۷-۴۰۳) امانت داری فزونی هم در یادکرد منابع ستودنی است.

۲-۳-۱۰- **مآثر رحیمی** نیز به سان بحیره یک اثر مستقل در باب وزرا محسوب نمی‌شود، بلکه اثریست که کلیت رجال یک مقطع تاریخی را در منطقه شبه‌قاره مطمح نظر داشته و احوالشان را بیان نموده است. مؤلف مآثر رحیمی «... میر عبد الباقی ذکر حال خانخانان بیرام خان و خانخانان عبد الرحیم خان را از احوال پادشاهان قراقویونلو که نیاکان آنان بودند، آغاز کرد و سپس، به مناسبت، به ذکر بسیاری از خاندان‌های سلطنتی هند از غزنویان به بعد پرداخته و درین راه از کتاب‌های معتبر پیش از خود استفاده کرده است...» (صفا، ۱۳۷۸: ۱۷۴۱/۳/۵-۱۷۴۲)

در مآثر رحیمی «به طور ویژه آثار و اخبار عبدالرحیم خان خانان و ویژگی‌های شخصیتی و حسب و نسب وی و خدمتکاران و دوستان و شاعران او آمده است و به صورت فرعی مطالبی درباره پادشاهان گذشته هند و نورالدین محمد جهانگیر غازی و سلسله وی نیز وجود دارد» (شعبانلو و وفایی، ۱۳۹۱: ۷۸) ساختار این اثر مبتنی بر «مقدمه و چهار فصل و خاتمه» (مآثر رحیمی، ۱۹۲۴: ۸/۱) بدین شرح است: «مقدمه در ذکر حسب و نسب و آباء میرزا عبدالرحیم خان. - فصل اول در ذکر محمد بیرام خان و حالات سلاطین غزنوی و غیر ذلک... - فصل دوم در احوال خانخانان عبد الرحیم خان و... - فصل سوم در مآثر و آثار خانخانان. - فصل چهارم در ذکر حالات فرزندان خانخانان. - خاتمه در ذکر حالات علما و فضلا و شعرا و سپاهیان و مستعدان سلسله خانخانان...» (همان: ۸-۹/۱) «مآثر رحیمی... در سال‌های ۱۹۲۴ و ۱۹۳۱ در سه مجلد در شهر کلکته به طبع رسیده است.» (مبارک، ۱۳۷۲: مقدمه/۱۹) آنچه در باب وزرا در این اثر آورده

شده به صورت موردی بوده و در ضمن سایر مطالب گاه گاه شرح احوال وزرا مورد توجه قرار گرفته است.

۳- نتیجه گیری

مهم ترین نتایج مستفاد از پژوهش، فهرست وار به قرار ذیل است:

۱- دستورنامه نویسی یکی از اقسام نثر فارسی است و قدمت تألیف این گونه آثار ریشه در ادب عربی دارد. ۲- کهن ترین دستورنامه پارسی، *نفته المصدور* و قدیم ترین اثر باقی مانده این نوع ادبی، *تاریخ الوزراء* نجم الدین قمی است. ۳- دستورنامه ها از جهات سیاسی، اجتماعی، تاریخی، ادبی و یادکرد حکایات عصر و اصطلاحات دیوانی از ارزش های بسیاری برخوردارند. ۴- برخی از آثار این نوع ادبی حاصل خامه دستوران است، تعدادی از آثاری را نیز که بزرگان عصر تألیف و تدوین نموده اند، عموماً به وزیران تقدیم شده است. ۵- ساختار آثار الوزراء فارسی معمولاً نظم تاریخی داشته و از وزیران نامدار پیش از اسلام چون بزرگمهر، جاماسپ و... آغاز شده و پس از اسلام از صدر این دوران تا روزگار مصنف کتاب و بر اساس حکومت های بر کار آمده ادامه یافته است. این گونه دستورنامه ها رجال محورند و کمتر جنبه موضوعی دارند. بخش های معاصر با نویسندگان دستورنامه ها به جهت سندیّت و اتقان محتوایی و تاریخی از اهمیت فراوان برخوردارند و نسبت به بخش های پیشین که غالباً بازنویسی آثار متقدمان است، مطب تر و مفصل ترند. ۶- در برخی دستورنامه ها چون دستورالوزاره اصفهانی و دستورالوزراء منسوب به نظام الملک، هدف نویسندگان بیان احوال صدور نیست. این قسم آثار به لحاظ ساختاری در طبقه بندی موضوعی و محتوایی، گرانی و ارجمندی منصب صدارت را محور سخن قرار داده اند و از ویژگی ها، صفات و شرایط احراز این سمت یاد می کنند. ۷- در اکثر دستورنامه ها و ذیل نقل احوال وزیران، ساختار محتوایی ویژه ای ملحوظ است، نکته شایان ذکر در تعدادی آثار، بیان خصایل نیک و نیز ذمائم وزرا به دور از تعصب و جانبداری است. ۸- پند و اندرزهای اخلاقی که غالباً جنبه سیاسی و حکومتی یافته، چاشنی کلام در دستورنامه ها است. اندرزنامه های سیاسی از یک سو سبب تنبه و عبرت گرفتن عموم مخاطبان و مترصدان دستوری است و از دیگر سو برای متقلدان این منصب راهگشا است. ۹- جنبه حکایت محوری و نقل داستان های تاریخی در متن بسیاری از آثار مشهود است. ۱۰- منابع دستورنامه ها جز بخش تاریخی معاصر با نویسندۀ اثر، غالباً تقلید و رونویسی از آثار ماقبل و متقدم است. معمولاً نویسندگان از منابع و مآخذ مورد

استفاده یاد کرده‌اند. ۱۱- تعدادی از دستورنامه‌های احصاشده صرفاً و اختصاصاً به وزراء پرداخته‌اند، حال آنکه گروهی از این قسم، نظیر *تجارب السلف*، *جامع الحکایات* و *بحیره* در یکی از ابواب و یا عموماً در ضمن سایر بخش‌ها و مطالب، مقولهٔ صدارت و صدوران را بررسیده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱- *جامع الحکایات* (ترجمهٔ فرج بعد از شدت): این اثر که اصلاً نوشتهٔ قاضی تنوخی و به زبان عربی است، توسط حسین بن سعد بن الحسین الدهستانی المویدی در قرن هفتم به زبان فارسی ترجمه شده است. این کتاب نه اختصاصاً بلکه در برخی مواضع و در مطایب برخی فصول به احوال تعدادی از وزراء پرداخته است، لذا نمی‌توان آن را اثری مستقل و نظیر دستورنامه‌های پارسی به حساب آورد. این اثر پس از ترجمه بدین عنوان نامیده شده است: *جامع الحکایات فی ترجمه الفرغ بعد الشده و الضیقه* (دهستانی، ۱۳۹۸: ۱۰/۱).

۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ۸- رجوع شود به (نجم‌الدین قمی، ۱۳۶۳: مقدمه/ ۲۷-۲۹).

۷- *ارشادالوزراء* نوشتهٔ صدرالدین محمد بن زبردست خان متوفی ۱۱۵۱ قمری است. ساختار اثر در ۱۲ مقاله تنظیم شده است: وزرا و سلاطین قدیم. وزرای بنی‌امیه. وزرای خلفای عباسی. مقالهٔ چهارم: ذکر نگردیده. وزرای غزنویان. وزرای آل بویه. وزرای سلجوق شاهی. وزرای سلاطین خوارزم. مقالهٔ پنجم: ذکر نگردیده. وزرای مظفر و ملوک غور. وزرای صاحب قران امیر تیمور. سلاطین گورگانی درهند. (نسخهٔ خطی *ارشادالوزراء*: ۱-۳).

۹- *مآثرالامراء*: این اثر «مشمول بر احوال سلاطین تیموری هندوستان و هفتصد و سی نفر از امرای عمده زمان ایشان. در سه مجلد بزرگ به تصحیح مولوی عبدالرحیم و مولوی میرزا اشرف علی در سال‌های ۱۸۸۸، ۱۸۹۰، ۱۸۹۱ به چاپ سری رسیده است.» (مبارک، ۱۳۷۲: مقدمه/ ۲۰) / ۱۰- برای مطالعهٔ بیشتر در باب انتساب *دستورالوزراء* به مؤلف اصلی و فرضیات مطرح، به مقالهٔ «انتساب کتاب *دستورالوزراء* به خواجه نظام‌الملک یا عدنی طوسی» مراجعه شود.

منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۸۲). *مقدمه*. جلد ۱. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا. (۱۳۶۰). *تاریخ فخری*. ترجمه محمد وحید گلپایگانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۵۶). *دستورالوزراء*. با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی. تهران: اقبال.
۴. الدهستانی المؤیدی، حسن بن سعد بن الحسین. (۱۳۹۸ ق). *جامع‌الحکایات ترجمه فرج بعد از شدت*. جلد اول. تصحیح علی اکبر عفتاری. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۵. رستگار فسایی، منصور. (۱۳۹۲). *انواع نشر فارسی*. تهران: سمت.
۶. سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی. (۱۳۳۷). *آثارالوزراء*. تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی. تهران: دانشگاه تهران.
۷. شعبانلو، علیرضا و وفایی، علی. (۱۳۹۱). «مآثر رحیمی، کتابی در تاریخ و رجال هند». *فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج*. سال چهارم. شماره ۱۳. صص ۷۵-۸۶.
۸. صدرالدین محمد بن زبردست خان. (بی تا). *نسخه خطی ارشادالوزراء*. تاریخ کتابت ۱۲۴۰ قمری. خط نستعلیق. ۶۶ برگ ۱۳ سطری. محفوظ در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگر. شماره میکروفیلم: ۶/۲. شماره کتابخانه: Abd us-Salam 356/126.
۹. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات در ایران*. جلد ۵، بخش ۳. تهران: فردوس.
۱۰. عبدالباقی نهاوندی. (۱۹۲۴). *مآثر رحیمی*. تصحیح محمد هدایت حسین. ۳ جلد. کلکته: پیتس مشن.
۱۱. عبدالوهاب عدنی طوسی. (بی تا). *نسخه خطی دستورالوزراء نظام‌الملک*. در مجموعه دوازده رساله اخلاق. محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره ۴۶۵۳۷.
۱۲. فزونی استرآبادی. (۱۳۲۸ ق). *نسخه چاپ سنگی بحیره*. تهران: مطبعة استاد الماهر میرزا امان‌الله خان.
۱۳. کریستین سن، آرتور. (۱۳۶۸). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه غلامرضا رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.
۱۴. کلوزنر، کارلا. (۱۳۶۳). *دیوانسالاری در عهد سلجوقی*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: امیرکبیر.
۱۵. گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۳). *تاریخ تذکره‌های فارسی*. جلد ۲. تهران: کتابخانه سنائی.

۱۶. مبارک، ابوالفضل. (۱۳۷۲). *اکبرنامه: تاریخ گورکانیان هند*. مصحح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۷. محمود بن محمد بن الحسين الاصفهانی. (۱۳۶۴). *دستورالوزاره*. تصحیح رضا انزابی نژاد. تهران: امیرکبیر.
۱۸. ملک‌ثابت، محمد‌رضا. (۱۳۹۲). «انتساب کتاب دستورالوزاره به خواجه نظام‌الملک یا عدنی طوسی». فصلنامه علمی پژوهشی *کاوش‌نامه*. شماره ۲۷. صص ۴۴-۹.
۱۹. ناصرالدین منشی کرمانی. (۱۳۶۴). *نسائم‌الاسحار من لطائف‌الاجبار*. به تصحیح و مقدمه و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث). تهران: اطلاعات.
۲۰. نجم‌الدین ابوالرجاء قمی. (۱۳۶۳). *تاریخ‌الوزراء*. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۱. هرن، پاول و هوبشمان، هاینریش. (۱۳۹۴). *فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی*. ترجمه جلال خالقی مطلق. تهران: مهرافروز.
۲۲. هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوانی. (۱۳۵۷). *تجارب‌السلف*. تصحیح عباس اقبال. تهران: کتابخانه طهوری.